

جنبش دانشجویی در کنار جنبش عمومی مردم ایران

ع. کلبانگ

جنبش دانشجویی در مین ما وارد عرصه‌های نوینی شده است. این عرصه‌ها، مستقیماً متأثر از جنبش آزادیخواهی مردم ایران است. این جنبش در عین حال که خواسته‌های صنفی خویش را پی‌جویی می‌کند، در مهم‌ترین چالش‌های سیاسی-اجتماعی نیز حضور یافته است. اگر سالهای پس از پیروزی انقلاب را، سال‌های سردرگمی جنبش دانشجویی - بویژه در میان نیروهای مذهبی - ارزیابی کنیم و سالهای جنگ و پس از آن را، سالهای رکود جنبش دانشجویی، آنچه که اکنون در دانشگاه‌های ایران جریان دارد، جنبشی است عمیقاً سیاسی، با آماج‌های آزادیخواهی، استقلال‌طلبی و ارتجاع‌ستیزی!

این جنبش هنوز با گرایش‌های واقعا موجود سیاسی تشکیلی نیافته است، که بازترین دلیل آن متنوعیت فعالیت احزاب سیاسی شناخته شده و غیر وابسته به گرایش‌های مذهبی در جمهوری اسلامی است. به همین دلیل، امروز دو تشکل عمده دانشجویی، که در ایران ابراز وجود کرده‌اند، هر دو پسوند "اسلامی" دارند: اتحادیه سراسری انجمن اسلامی دانشجویان - دفتر تحکیم وحدت - و انجمن اسلامی دانشجویی.

در هر دو تشکل موجود دانشجویی، تجدد طلبی اسلامی و نواندیشی اسلامی، نه تنها حضور دارد، بلکه رو به رشد است. نگرانی از همین امر موجب شده است، تا ارتجاع مذهبی (موتلفه اسلامی، روحانیت مبارز، دفتر تبلیغات اسلامی، نمایندگان‌های رهبری در دانشگاه‌ها)، اکنون که از هدایت و نفوذ در این تشکل‌ها عاجز مانده‌اند، خود برخی تشکل‌های مستقل را بوجود آورده‌اند و به کمک گروه‌های چماق‌دار، نظیر انصار حزب الله و یا دانشجویان طرفدار ولایت، با حمله و اوپاش‌گری سعی در منفعل ساختن دو تشکل دیگر دارند. این در حالی است که برخی گرایش‌های سیاسی-مذهبی متمایل به نهضت آزادی ایران و گرایش فکری موسوم به "تفکر سروشی" نیز، در دانشگاه‌ها شکل گرفته است.

رویداد اخیر، مربوط به مقاومت در برابر نظر استصوابی شورای نگهبان، که انتخابات میاندوره‌ای مجلس را از حضور مردم در پای صندوق‌های رای محروم ساخت و تظاهراتی که در دانشگاه تهران، در این زمینه و به دعوت و رهبری دفتر تحکیم وحدت انجام شد، نشان داد، که بار سیاسی تشکل‌های دانشجویی روز به روز افزون‌تر می‌شود.

برای آشنائی بیشتر با جنبش دانشجویی و صف‌آرایی‌های موجود در این جنبش، آشنائی ابتدائی زیر می‌تواند مفید باشد:

در سال‌های پس از پیروزی انقلاب، انجمن‌های اسلامی دانشجویان، عمدتاً برای مقابله با سازمان‌ها و تشکل‌های چپ غیر مذهبی ایران شکل گرفت. این در حالی بود، که حزب جمهوری اسلامی، از همان ابتدای تأسیس، در اندیشه چنین سازمان‌ها و تشکل‌هایی بود. شعارهای رادیکال این انجمن‌ها نیز، پیش از آنکه برخاسته از نگرش عمیق سیاسی باشد، ناشی از همین رقابت بود. این رقابت نمی‌توانست به سود انجمن‌های اسلامی دانشجویی تمام شود. در حالیکه شعارهای رادیکال اقتصادی این انجمن‌ها نیز، خود به دشواری جدیدی برای حاکمیت تبدیل می‌شد. زمانی که این رقابت از درون راه بجائی نبرد، یورش از بیرون و با رهبری حزب جمهوری اسلامی سازمان داده شد: انقلاب فرهنگی با بسته شدن دانشگاه‌ها، فصل جدیدی در حیات انجمن‌های اسلامی و اصولاً دانشجویان دارای گرایش‌های مذهبی شروع شد. دهها هزار دانشجو، در سراسر ایران، تحت عنوان جهاد سازندگی روانه روستاها شدند. این فصلی است از حیات دانشجویان ایران، که حداقل دوران اولیه آن نمودار مثبتی را همراه

دارد. تصرف سفارت امریکا و عنوان "دانشجویان خط امام"، شناسنامه جدیدی برای جنبش دانشجویی متمایل به چپ مذهبی در ایران شد. حادثه‌ای که حداقل برای دورانی، ابتکار عمل را در عرصه شعار، از چپ غیر مذهبی ایران گرفت. شروع جنگ، تأثیر اجتناب‌ناپذیر خود را بر جنبش دانشجویی نیز گذاشت و هزاران دانشجوی مذهبی ایران که با بسته شدن دانشگاه‌ها سرگردان شده بودند و یا در جهاد سازندگی مشغول کار شده بودند، روانه جبهه‌های جنگ شدند.

در تمام این دوران، که دانشجویان بی دانشگاه، در جبهه‌های جنگ و جهاد سازندگی سرگرم جنگ و یا سازندگی بودند، ارتجاع مذهبی و بازاری‌ها، با انواع توطئه‌ها، گام‌های بلندپی در جهت قبضه حاکمیت در جمهوری اسلامی برداشتند. جنبش دانشجویی و بویژه دانشجویان مذهبی، که هیچ سابقه و آشنائی نسبت به ارتجاع مذهبی نداشتند، در این دوران در یک غفلت تاریخی فرو رفتند. حضور آیت الله خمینی و حمایت او از دولت متمایل به گرایش‌های اقتصادی رادیکال، بزرگترین ضمانت‌نامه‌ای بود، که آنها در اختیار داشتند. در حالیکه خود این دولت نیز روز به روز دست و بالش بیشتر از سوی ارتجاع بسته می‌شد و آیت الله خمینی نیز روز به روز بیشتر به سوی راست و روحانیون وابسته به بازار و ارتجاع متمایل می‌شد. تاریخ این دوره از فعالیت‌های سیاسی-صنفاً دانشجویان مذهبی دانشگاه‌های ایران، مملو از انواع فشارهای جناح راست و ارتجاع مذهبی است برای متلاشی ساختن رهبری آن و گسترش نفوذ خود در دانشگاه‌ها. این فشارها و توطئه‌های مکمل آن، تا حد اعزاز دانشجویان به جبهه‌های جنگ و سر به نیست کردن بسیاری از دانشجویان پیش رفت. سازمان‌ها و تشکل‌های موازی نیز از سوی ارتجاع مذهبی و بازارهای با نام‌های "انجمن اسلامی دانشجویی"، "جامعه اسلامی دانشجویان" و... شکل گرفت، که همگی نقش تقابلی با دفتر تحکیم وحدت را داشتند. این توطئه‌ها، پس از درگذشت آیت الله خمینی و تصفیه همکاران مستقیم و شناخته شده او در دولت و دو قوه مقننه و قضائیه (انتخابات مجلس چهارم)، تا حد اعلام انشعاب در دفتر تحکیم وحدت و اعلام مرگ "همه بنیانگذاران دانشجویان خط امام" پیش رفت و سپس نشریه "پیام دانشجوی بسیجی"، بعنوان رقیب و ارگانی برخی انشعابیون از این دفتر، وارد عرصه حیات مطبوعاتی و فعالیت دانشجویی شد. در حالیکه دفتر تحکیم وحدت، خود را "انجمن اسلامی دانشجویان..." می‌نامیدند، انشعابیون خود را "انجمن اسلامی دانشجویی..." معرفی کردند!

پیام دانشجوی بسیجی، بتدریج که ائتلاف دولت هاشمی رفسنجانی (موتلفه-روحانیت مبارز و کارگزاران) تضعیف شده و به شکست نزدیک می‌شد، لحن و مواضع تند انتقادی نسبت به دولت هاشمی پیدا کرد. کارشکنی‌های دولت در کار این تشکل دانشجویی و نشریه آن، سرانجام موجب شد تا نام "بسیجی" از آن حذف شود. در حالیکه در این دوران، بزرگترین ضعف ملی دولت هاشمی رفسنجانی اجرای برنامه تعدیل اقتصادی بانک جهانی و صندوق بین المللی پول بود، نشریه پیام دانشجوی، بی اشاره به ریشه بحران سیاسی-اقتصادی، عمدتاً برخی فسادها و دزدی‌ها را برجسته ساخته و چهره تند انتقادی به خود گرفت. این البته در حالی بود، که شکست ائتلاف در دولت هاشمی رفسنجانی نیز، به معنای مخالفت با برنامه تعدیل اقتصادی نبود، بلکه بازار و موتلفه اسلامی، بر پیگیری سریعتر این برنامه پافشاری داشت و ابتکار عمل را خود، مستقیماً می‌خواست در اختیار داشته باشد.

آغاز افشاگری پیرامون دزدی ۱۲۲ میلیارد تومانی در بنیاد مستضعفان، آغاز محدودیت‌های جدی برای نشریه پیام دانشجوی بسیجی و انجمن اسلامی دانشجویی بود. پس از چند بار توقیف و رهائی نشریه، گردانندگان و حتی مسئولین انجمن، سرانجام نشریه تعطیل شد.

در نیمه اول بهمن ماه ۷۴، "اتحاداسلامی"، ارگان اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویی و فارغ التحصیلان دانشگاه‌ها منتشر گردید. از سوی دیگر دفتر تحکیم وحدت، ارگان مرکزی خود را بنام "دانشجوی خط امام" جداگانه منتشر ساخت. دومین شماره نشریه، در تاریخ اول بهمن ماه ۷۴ منتشر شد.

مهندس طبرزدی، دبیرکل اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویی که سخنان وی در "اتحاد اسلامی" درج گردید، بطور آشکار و صریحاً بی‌پرده به سیاست‌های دولت حمله برد و عملکرد مسئولین را در قبال دانشجویان محکوم کرد و از دزدی‌های کلان پرده برداشت و اسناد فراوانی را بر ملا کرد. بدین ترتیب، گرایش به جنبش مردم، حتی در آن بخش از تشکل‌های دانشجویی که ارتجاع و برای مقابله با دفتر تحکیم وحدت دانشجویان، بدان امید بسته بودند نیز شکل گرفت.

اگر به خود آمدن دانشجویان این طیف را پدیده‌ای بدانیم که در پی اجرای سیاست‌های ضد ملی تعدیل اقتصادی شکل گرفته است، آنوقت نمی‌توانیم بر این حقیقت تأکید نکنیم که پیامدهای برنامه تعدیل اقتصادی و عوارض آن برای افشار گوناگون جامعه، (بقیه در ص ۱۴)

(بقیه جنبش دانشجویی از ص ۱۲)

صف بندی‌ها در جنبش دانشجویی را نیز مستقیماً متأثر ساخت. البته، تشدید تضاد جناح‌های حکومتی و عملکرد جناح راست وابسته به بازار، در مجموع عوامل بیداری و به خود آمدن دانشجویان مسلمان شده است. طیف وسیعی از دانشجویان که زمانی در مقابل دفتر تحکیم وحدت صف آرایی کرده بودند، در پی تحولاتی که در جامعه روی داد، به صفوف جنبش آزادیخواهی مردم روی آوردند. جنبش دانشجویی، بدین ترتیب به درک نویسی از مبارزات اجتماعی رسید و صف آرایی‌ها در مقابل ارتجاع بازار به کیفیتی نوین دست یافت.

اکنون ما شاهدیم که حرکت‌های دانشجویی، بویژه دانشجویان تشکل یافته در دفتر تحکیم وحدت دانشجویان روز به روز سیاسی‌تر شده و با جنبش مردم هماهنگی و همسو می‌شود. مقابله دانشجویان با گروه‌های فشار سازمان یافته از سوی چهره‌های شناخته شده حکومتی، نظیر رهبران "موتلفه اسلامی"، نمونه‌های جالبی از عمق درک جنبش دانشجویان مذهبی ایران است. این شناخت در انتخابات دوره پنجم مجلس و با اعلام حضور و شرکت دانشجویان در انتخابات، مرحله جدیدی را پشت سر گذاشت و در جریان انتخابات ریاست جمهوری، توان، درک و نفوذ خود را در میان جوانان به نمایش گذاشت.

عملکرد گستاخانه جناح راست و بازنده انتخابات، که می‌کوشد شکست انتخابات ریاست جمهوری را جبران کند و رویداد دوم خرداد را به شکست بکشد، عملاً به جنبش دانشجویی ایران، جنبه پیشگامی بخشیده است.

نشست سراسری انجمن‌های اسلامی دانشجویان دانشگاه‌های سراسری کشور (دفتر تحکیم وحدت) در تاریخ ۴ و ۵ دیماه گذشته، با حضور نمایندگان انجمن‌های بیش از ۵۰ دانشگاه کشور، در دانشگاه صنعتی خواجه نصیرطوسی، نشان داد، که امر بسیار مهم تشکل و سازماندهی، برای مقابله با ارتجاع پر قدرت حکومتی، تا چه میزان در دستور کار جنبش دانشجویی مذهبی قرار گرفته است. قطعنامه پایانی این نشست، تصریح می‌کند: «نشست با ابراز نگرانی از خشونت و برخوردهای افراطی، که سناریوهای دیگری از سوی جناح انحصار طلب که بمنظور... (تحصیل) سرخوردگی و ناامیدی به مردم و تضعیف پایه‌های جامعه مدنی است... با تاکید مجدد بر آنکه دولت و دستگاه‌های انتظامی و اطلاعات موظفند حقوق و آزادی‌های قانونی مردم را تامین نمایند...»

تعمیق بینش سیاسی در جنبش دانشجویی و پیوند آن را با جنبش مردم را در اخبار زیر می‌توان دنبال کرد:

«انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران و علوم پزشکی تهران، طی نامه‌ای سرگشاده به رئیس قوه قضائیه، خواستار بازنگری وی در رفتار و عملکرد خویش و در غیر اینصورت کناره‌گیری ایشان از ریاست قوه قضائیه شدند.» (عصرما شماره ۸۷)

«انجمن‌های اسلامی دانشجویان، خواستار برکناری تمامی چهره‌های مخالف با رای مردم شدند.» (عصرما شماره ۸۴)

«نوزدهمین نشست سراسری دفتر تحکیم وحدت، خواهان شفاف شدن وضعیت مجمع تشخیص مصلحت نظام و خواهان حرکت این مجمع در چارچوب قانون اساسی شد. رسیدگی به تخلفات مسئولان بنیاد جانبازان-آستانقدس رضوی- کمیته امداد امام- بانک سپه شد. قطعنامه همچنین از عملکرد مسئولین از دفتر نمایندگی رهبری در دانشگاهها انتقاد کرد. قطعنامه ضمن حمایت از رئیس جمهور منتخب مردم، خواهان برکناری مسئولین و مدیریت دانشگاهها شد.» (عصرما شماره ۸۱)

نزاع در مجلس اسلامی، هنگام پاسخ وزیر کشور! فراکسیون راست مجلس از چه می‌توسد؟

روزنامه "سلام" در شماره ۲۸ اسفند خود، گزارش مشروحی را درباره نزاع در مجلس اسلامی، همراه با پاسخ‌های وزیر کشور به سوالات نمایندگان مجلس منتشر کرد. وزیر کشور، برای پاسخگویی به اجازه برگزاری مراسم یادبود مهندس مهدی بازرگان، دبیرکل سابق نهضت آزادی به مجلس فراخوانده شده بود. در این جلسه یکی از نمایندگان جناح راست، که قصد حمله به وزیر کشور را داشت، چنان سبیلی به گوش نماینده جناح طرفدار دولت در مجلس زد، که عمامه و عینک وی به گوشه و کنار پرت شد! (قابل توجه طرفداران تنگ‌کاست روحانیت) (بقیه در ستون مقابل) →

قدرت هم هستند و در اغلب وزارتخانه‌ها و در بیشتر فعالیت‌های اقتصادی و شرکت‌های بزرگ نفوذ دارند، دست دارند، آدم دارند و در هر حال منافع خیلی خیلی عظیمی دارند. بنظر جبهه ملی مقاومت‌ها در برابر برنامه‌های آقای خاتمی از طرف این جریان‌ها می‌باشد. بنابراین، ما اعتقاد داریم، حرکت‌هایی که آقای رفسنجانی می‌کند و حتی بیش از آن، از سوی خیلی از دیگران، در تضاد و مخالفت با دولت آقای خاتمی نیست، که در جهت تکمیل آنست.

ارزیابی ما از شورای تشخیص مصلحت نظام هم همین است. جبهه ملی اینطور فکر نمی‌کند که این شورا در برابر دولت آقای خاتمی و مخالف آنست، خیر. بنظر ما، این شورا هم از برنامه‌های آقای خاتمی حمایت می‌کند و در مقابل این برنامه‌ها نیست.

تحریم انتخابات

ما انتخابات را تحریم نکردیم. در نامه خودمان هم توضیح داده‌ایم که علی‌الاصول با این ترتیب که شورای نگهبان صلاحیت‌ها را تعیین کند، شرکت نمی‌کنیم. شورای نگهبان صلاحیت خیلی از افراد موجه و دگراندیش را رد کرد، مثل آقای مهندس سبحانی، اینها را همه را صلاحیتشان را رد کرد. اما دوستان ما، طرفداران جبهه ملی در این انتخابات شرکت کردند و به آقای خاتمی هم رای دادند، به این ترتیب ما تحریم نکردیم، تنها گفتیم که به این ترتیب نمی‌توانیم در انتخابات شرکت کنیم.

جبهه ملی از مواضعی که آقای خاتمی تا امروز اتخاذ کرده، روی آن ایستاده و سعی در اعمال آن کرده حمایت می‌کند و تا موقعی که این جهت تداوم داشته باشد، این حمایت را خواهد کرد. ما عمیقاً اعتقاد داریم، حرف‌هایی که ایشان می‌زند، سالهای سالت که در این مملکت زده شده است. حرف‌های بسیار با ارزشی است، حرف‌هایی است در جهت آزادی، جامعه مدنی، قانونمندی. اینها همان چیزهایی است که مردم می‌خواهند و ایشان هم دارد همین حرف‌ها را می‌زند و ما باید به ایشان کمک کنیم و تشویق کنیم که این عمل کرده است. تا وقتی ایشان در این خط حرکت می‌کند ما هم از ایشان حمایت خواهیم کرد، آنجانی هم که چنین نشود و نوع دیگری عمل شود. ما هم حمایت نخواهیم کرد. ولی نظر ما و تحلیل ما اینست که ایشان صادقانه این مواضع را اعلام کرده، پیگیری کرده و صادقانه روی این مواضع خواهد ایستاد. این تحلیل ماست از ایشان تا به حال.

دین و دولت

اما درباره مواضع مذهبی آقای خاتمی و نحوه نگرش سیاسی جبهه ملی، باید بگویم، واقعیت اینست، که آقای خاتمی در چارچوب جمهوری اسلامی و قوانین اسلامی عمل می‌کند. البته تعبیر و تفسیری که ایشان از مذهب و دولت و دین دارند، شاید برداشت دیگری باشد، نوع دیگری باشد، اما در هر حال ایشان یک روحانی است و مسائلشان را در همان کسوت مطرح می‌کنند. و در حال حاضر هم ایشان باید مطرح کنند. برداشت‌های ایشان از مذهب برداشت‌های دیگری است و بنظر ما درست‌تر است. مسائل ایران درونی است و برای آنها باید راه حل‌های درونی پیدا کرد. بالاخره باید مردم ایران را درک کرد. این ملتی است با استعداد، آگاه و هوشمند. نمونه دوم خرداد نمونه‌ای از این هوشمندی بود. بنابراین ما در بستر واقعیات موجود باید کار کنیم. باید صبر داشت و گام به گام مسائل را پیش برد، نوع دیگر عمل و حرکت، نه عملی است و نه به صلاح مملکت ما.

* حسن لباسچی، از اعضای قدیمی جبهه ملی ایران است، که پس از پیروزی انقلاب ۵۷، برای مدتی معاون وزارت خارجه، در کابینه مهندس بازرگان بود. وی تحصیل کرده امریکا در رشته علوم سیاسی است

(بقیه فراکسیون راست...) یکی از مهترین نکاتی که وزیر کشور در پاسخ‌های خود به آن اشاره کرد، این نکته هشدار دهنده به مجموعه مجلس و حکومت بود:

«... آیا از نظر نماینده محترم میناب (سؤال کننده) وضع ما به جانی رسیده است، که باید از برگزاری یک مجلس ترجیح اینقدر احساس نگرانی کنیم؟ این نحو سؤال کردن القای این مفهوم به افکار عمومی در داخل و خارج کشور نیست که نظام اسلامی ایران، در حدی متزلزل و آسیب پذیر است که حتی تحمل برگزاری یک مراسم ساده ترجیح را، آن هم برای کسی که زمانی در همین نظام نخست وزیر بوده است، ندارد؟ از چه نگران هستیم؟ از فاتحه، یا متوفی؟ و یا محل فاتحه؟ و یا شرکت کننده‌ها و یا چیز دیگری؟»

راه توده: از همان چیز دیگر می‌ترسند! و این چیز دیگر، همان "آزادی احزاب سیاسی" است!